



رویکرد حماسی به واقعه عاشورا در شعر عاشورایی انقلاب اسلامی

دکتر عبدالرحیم حقدادی^۱

محمد باقر تقوی زیروانی^۲

چکیده

وجود شواهد و منابع درباره واقعه عاشورا، به روشنی مبین این مطلب است که بعد حماسی این واقعه سترگ از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابعاد آن به شمار می‌رود. اما این بعد حیاتی در تاریخ شعر عاشورایی به ندرت انعکاس می‌یابد و در مقابل ابعاد تراژدی و عرفانی مجاللی برای خودنمایی نمی‌یابد. اما رویکرد حماسی بعد از انقلاب اسلامی به یکباره احیا می‌شود و بعد از سالها کم توجهی و کم‌اقبالی، در شعر عاشورایی انقلاب به رویکردی اساسی و پر کاربرد تبدیل می‌گردد و اکثر شاعران انقلاب مضامین حماسی را به‌طور گسترده و با بسامد بالا در اشعارشان به کار می‌برند. از عوامل احیای رویکرد حماسی در شعر انقلاب اسلامی می‌توان از تحولات عصر مشروطه، بینش حماسی متفکران انقلاب اسلامی و مهم‌تر از همه اندیشه‌های امام خمینی (ره) نام برد. رویکرد حماسی در شعر عاشورایی انقلاب دارای ویژگیها و مختصات منحصر به فرد همچون پیروزی خون بر شمشیر، استمرار عاشورا، نگاه حماسی به مرگ و جز آن می‌باشد که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: عاشورا، حماسه، امام خمینی، انقلاب اسلامی، شعر عاشورایی.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند.

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی.

۱- مقدمه

حماسه، بی تردید یکی از اصلی‌ترین و پررنگ‌ترین ابعاد واقعه عاشورا به‌شمار می‌رود و در حقیقت جان مایه و نفس حرکت امام حسین(ع) همین جنبش حماسی و سلحشورانه می‌باشد. عاشورا بدون حماسه به کالبدی بی روح و کم‌اثر تبدیل می‌شود و به هیچ وجه آن رسالتی که امام حسین(ع) و دیگر عاشوراییان به دنبال تحقق آن بودند، برآورده نمی‌کند. متأسفانه این اتفاق ناگوار در تجلی عاشورا در زبان و ادبیات فارسی رخ می‌دهد و در طول تاریخ شعر عاشورایی، حماسه هیچ‌گاه به جایگاه واقعی خود دست پیدا نمی‌کند و شاعران عاشورایی به ندرت مضامین حماسی عاشورا را در اشعار خود انعکاس می‌دهند. اما حماسه در شعر عاشورایی انقلاب اسلامی به یکباره بعد از سالها کم توجهی و بی‌اقبالی به عنوان اصلی‌ترین و پر کاربردترین رویکرد به واقعه عاشورا تبدیل می‌شود و اغلب شاعران بزرگ انقلاب اسلامی با همین رویکرد حماسی به این واقعه می‌نگرند.

در این مقاله، سعی خواهد شد بعد از اثبات ابعاد حماسی واقعه عاشورا با آوردن گزیده‌ای از شواهد فراوان از سخنان و اعمال عاشوراییان و نگاهی اجمالی بر اندک رویکردهای حماسی که در طول تاریخ شعر عاشورایی به ثبت رسیده‌است، علت‌های احیای این بُعد و ویژگیها و مختصات بدیع و ممتاز آن در شعر عاشورایی انقلاب مورد بررسی قرار گیرد.

۲- ابعاد حماسی واقعه عاشورا

«مقاومت یاران اندک در مقابل سپاه عظیم دشمن، نبرد در عطش، شجاعت و پاکبازی، برای دیگران از خود گذشتن و در غربت و تنهایی بدون هراس و تشویش ماندن و تا آخرین نفس جنگیدن، ابعاد حماسی کربلایند.» (سنگری، ۱۳۸۱، ش:ص ۱۶۳)

بی‌شک یکی از پررنگ‌ترین ابعاد واقعه عاشورا، روحیه حماسی و دلاوریهای امام حسین(ع) و یاران وی در عرصه نبرد و همچنین سخنان وی و یارانش از مدینه تا کربلا و همین رویکرد از سوی بازماندگان واقعه عاشورا همانند حضرت زینب(ع) و امام سجاد(ع) از کربلا تا مدینه می‌باشد. رجزهای امام حسین(ع) و یاران دلاور او سرشار از مضامین حماسی و انعکاس دهنده روحیه جنگاوری و دلاوری آنان می‌باشد. در این بعد برای اهمیت این رویکرد و نمونه‌های فراوان نگاه‌های حماسی در واقعه عاشورا، شواهد موجود در این گستره طبقه بندی می‌شود:

۲-۱: ابعاد حماسی عاشورا در کلام حضرت امام حسین (ع)

حضرت امام حسین (ع) از آغاز حرکت خود از مدینه به کربلا سخنان فراوان فرموده‌اند که یکی از ابعاد مهم آن، وجهه و رویکرد حماسی و شورانگیزی نهفته در این سخنان است. یکی از این سخنان که از حضرت گزارش شده، شعری از یزید بن مفرغ است که بعد از گفت و گو با محمد حنفیه برادر ناتنی‌اش در هنگام رفتن به سوی مسجد و حرم پیامبر (ص) با خود زمزمه می‌کرده است:

لَا ذَعْرُتُ السَّوَامَ فِي خَلْقِ الصُّبْحِ مُغِيرًا وَلَا دُعَيْتُ بَزِيدًا
يَوْمَ أُعْطِيَ مَخَافَةَ الْمَوْتِ كَفَاءً وَالْمَنَائِيَا يَرْصُدْنِي أَنْ أُصِيدًا
(ابن اثیر، ۱۴۰۸ ق: ج ۴،

ص ۱۷)

- من از چوپانان به هنگام صبح و یا شیخون زدن خویش ترسی ندارم و نباید مرا یزید (بن مفرغ) بخوانند؛ آنگاه که از ترس مرگ، دست ذلت بدهم و خود را از خطراتی که مرا هدف قرار داده‌اند کنار بکشم.

در فرازی دیگر، حضرت در پاسخ فرزدق شاعر که او را از سفر به کوفه برحذر می‌داشت، این اشعار را سرودند:

وَإِنْ تُكُنِ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ أَنْشِئْتُ فَفَقْتَلُ أَمْرِي بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ
(همان)

و اگر بدن‌ها برای مرگ پدید آمده‌اند پس با شمشیر در راه خدا کشته شدن بهترین است.

امام (ع) در سخن حماسی دیگر می‌فرماید:

« چون انسان از فرزندان و آبرو و خاندان خود پاسداری نکند، فرومایه و سزای ناسزا خواهد بود، در مقابل آنچه یزید، فردا (باتهیدید) از ما خواهد خواست، شناگر دریا‌های مرگ در شرق و غرب خواهیم بود چنان با ضربتی آتشین (به دشمن) یورش بریم که اگر شیری آن را ببیند (از وحشت) به گریز گاهی گریزد. » (قندوزی، ۱۳۸۴ ش: ص ۴۰۲)

و اوج این سخنان حماسی حضرت، سروده‌ای است که در میدان شهادت از ایشان نقل شده است:

الْمُوتُ أَوْلَىٰ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ أَوْلَىٰ مِنْ دُخُولِ النَّارِ

(خوارزمی، ۱۳۹۴ق: ج ۲، ص ۳۳)

مرگ بهتر از پذیرفتن ننگ است و پذیرفتن ننگ بهتر از قبول آتش. و در کنار این سخنان حماسی، در عمل نیز روایاتی فراوان از جنگاوری و دلاورهای امام حسین (ع) نقل شده است، این روایت که در کتاب لهوف ابن طاوس آمده شهادی بر اثبات مدعی ما است:

«یکی از روایان چنین می گوید: به خدا سوگند هیچ محاصره شده‌ای را که همه فرزندان و خاندان و یارانش کشته شده باشند، شجاع تر و دلیرتر از امام حسین (ع) ندیدم. در حالی که سربازان ابن سعد به او حمله می کردند چنان با شمشیر بر آنها هجوم می برد که همچون گوسفندانی که گرگ به آنها حمله کرده باشد از مقابلش می گریختند. لشکریان ابن سعد با این که تعدادشان به سی هزار نفر می رسید همین که امام حسین (ع) به سوی آنها یورش می برد، همانند ملخهایی که به هوا بر می خیزند از برابر آن خطرت فرار می کردند و او دوباره به جایگاه و مرکز خود باز می گشت و می فرمود: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» (ابن طاووس، ۱۳۸۵ ش: ص ۷۵)

۲-۲: ابعاد حماسی عاشورا در کلام اصحاب امام حسین (ع)

یاران امام حسین (ع) با تاسی از امام خود در واقعه عاشورا حماسه‌های فراوان آفریدند. حر بن یزید ریاحی در گرماگرم مبارزه خود را این گونه معرفی می کند:

إِنْ تَعْمُرُوا بِي فَأَنْبَأَنَّ الْحُرَّ
وَلَسْتُ بِالْخَوَّارِ عِنْدَ الْكَرِّ
لَكِنِّي الثَّابِتُ عِنْدَ الْفَرِّ

(قندوزی، ۱۳۸۴ ش: ص ۴۱۴)

چنانچه مرا از رفتن باز داشتید، منم فرزند آن آزاد مرد که از شیر یالدار بیشه‌ها شجاع تر هستم، هنگام حمله‌ها زبون نخواهم بود و گاه فرار پایدار خواهم ماند.

مسلم بن عوسجه نیز خطاب به امام حسین (ع) می فرماید:

«به خدا سوگند من از تو جدا نمی گردم تا با نیزه خود سینه دشمنان تو را بشکافم و تا شمشیر در دست من است با آنان بجنگم و اگر هیچ سلاحی نداشتم، با سنگ و کلوخ به جنگشان می روم تا جان به جان آفرین تسلیم کنم.» (طبری، ۱۳۵۸ ش: ص ۳۲۲).

سعد بن عبدالله نیز خطاب به امام خود حسین (ع) می گوید:

«اگر بدانم هفتاد مرتبه کشته می‌شوم و بدنم را آتش زده و خاکسترم را زنده می‌کنند باز هم هرگز دست از یاری تو بر نمی‌دارم.» (طبری، همان: ص ۳۲۲).

به همین ترتیب بیشتر اصحاب امام حسین (ع) با رجزهای حماسی در واقعه عاشورا جانفشانی کردند. نکته مهم‌تر آن که در کنار این سخنان حماسی در عرصه عمل نیز چنان ظاهر شدند که تحسین دوست و دشمن را نیز به همراه داشته است. شاید بهترین شاهد مثال برای تبیین روحیه حماسی یاران امام (ع)، روایتی است که از زبان یکی از دشمنان آنها در واقعه عاشورا نقل شده:

«به یکی از کسانی که در کربلا و در صف سربازان عمر سعد شرکت کرده بود، گفتند: وای بر شما! با پسر پیامبر جنگیدید و او را کشتید؟ گفت: چه می‌گویید؟ اگر شما نیز مشاهده می‌کردید آنچه را که مشاهده کردیم همانند ما عمل می‌کردید، گروهی بر ما حمله کردند که مانند شیرهای خشمگین دست به قبضه شمشیر برده بودند. از چپ و راست سواران را می‌کوبیدند و خرد می‌کردند، خود را به دهان مرگ می‌انداختند. نه امان نامه قبول می‌کردند و نه رغبت به مال داشتند، اگر به آنها مهلت می‌دادیم از هر طرف به ما حمله می‌کردند. مادر مرده! به نظر تو ما چه می‌کردیم؟» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ص ۲۷۰)

۲-۳: ابعاد حماسی در کلام و حالات خویشاوندان امام حسین (ع)

در کنار اصحاب جان بر کف امام حسین (ع)، خویشاوندان حضرت نیز حماسه‌های فراوان آفریدند. حضرت علی اکبر (ع) فرزند برومند ایشان رشادتهای زیاد از خود نشان دادند، ایشان هنگام ورود به میدان با این رجز رویارویی خود را آغاز می‌کند:

أَنَا عَلِيُّ بْنُ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ	نَحْنُ وَبَيْتُ اللَّهِ أَوْلَىٰ بِالنَّبِيِّ
أَطَعْتُكُمْ بِالرُّمْحِ حَتَّىٰ يَنْثَنِي	أَضْرِبُكُمْ بِالسَّيْفِ أَحْمَىٰ عَنِ أَبِي
ضَرَبَ غُلَامٌ هَاشِمِيٌّ عَلَوِيًّا	وَاللَّهِ لَا يَحْكُمُ فِينَا ابْنُ الدَّعِيِّ

من علی، پسر حسین بن علی هستم، به خانه خدا کعبه سوگند که ما و خانه خدا به پیغمبر (ص)

سزاوارتر هستیم

آن قدر با نیزه بر شما خواهیم زد که نیزه خم شود. با ضربات شمشیر که بر شما خواهیم زد و از پدرم حمایت می‌کنم.

ضربتی بر شما خواهیم زد که از جوانان هاشمی علوی زینده است. به خدا که فرزند نابکار در میان ما

حکم نخواهد راند. (خوارزمی، بی تا: ج ۲: ص ۳۰)

خوارزمی عدد کشتگان به دست حضرت علی اکبر (ع) را دویست نفر ذکر کرده است.

« وَ جَعَلَ يُقَاتِلُ حَتَّى قَتَلَ تَمَامَ الْمَأْتِنِ » (خوارزمی، همان: ص ۳۱)

حضرت ابوالفضل (ع) برادر امام حسین (ع) نیز یکی از شخصیت‌های کم نظیر حماسه‌ساز روز

عاشورا است.

۳- سیر تاریخی رویکرد حماسی شعر عاشورا در گستره ادبیات فارسی

« در تاریخ ادب عاشورایی به ویژه شعر، بعد حماسی کربلا، به ندرت تجلی و انعکاس یافته، ابعاد حماسی

کربلا در سروده‌های گذشته ادبیات فارسی تقریباً دیده نشده است. » (سنگری، ۱۳۸۱ ش: ص ۱۶۳)

حلقه مفقوده در سیر رویکردها به واقعه عاشورا در ادبیات عاشورایی، رویکرد حماسی است. همان‌طور که در بخش‌های قبل آورده شد، ابعاد حماسی عاشورا بسیار پررنگ است و بخشی قابل توجه از واقعه عاشورا را در بر می‌گیرد، و گنجینه‌ای بسیار عظیم برای مضمون‌سازی و بهره‌گیری شاعران عاشورایی فراهم آورده است، اما در بررسی تاریخ ادب عاشورایی هیچ نشانه‌ای از حماسه و ابعاد حماسی عاشورا به چشم نمی‌خورد. نه تنها قبل از صفویه و رسمی شدن مذهب تشیع، خبری از این بُعد مهم و حیاتی در شعر عاشورایی نیست، حتی بعد از تشکیل حکومت شیعی واحد در عصر صفوی نیز باز هم مشاهده می‌شود رویکرد غالب تراژدی است و در مواردی هم به بعد عرفانی پرداخته می‌شود.

در برهه‌هایی از تاریخ شعر عاشورایی، اندک اشاراتی به بعد حماسی عاشورا وجود دارد اما به علت

اندک بودن این اشعار و بسامد کم آنها در مقابل سیل عظیم رویکرد تراژدی و همین‌طور نگاه عرفانی، مجال برای خودنمایی نیافته است.

مثلاً قانی شاعر پرآوازه قاجاریه در یکی از اشعار خود نگاهی حماسی به واقعه عاشورا داشته است:

تنی گردد آگه ز سر خدای	که از جان و دل سرنماید خدای
نیندشد از تیغ و تیر و کمان	بپرهیزد از زخم گرز و سنان
و گر تیر بارند بر پیکرش	بخندد ز شادی دل اندر برش
چنین درد در خورد هر مرد نیست	کسی جز حسین اهل این درد نیست

(قانی، ۱۳۶۳ ش: ص ۹۴۲)

همچنین در دو منظومه عرفانی زبدة الأسرار از میرزا حسن صفی اصفهانی (متوفی ۱۳۱۶ ه.ق.) و گنجینه الأسرار میرزانورالله (عمان) سامانی (متوفی ۱۳۵۵ ه.ق.) رگه‌هایی از ابعاد حماسی عاشورا دیده می‌شود. اما ابعاد و شاکله عرفانی این دو منظومه آن قدر درخشش دارد که جایی برای پرتوافشانی ابعاد حماسی عاشورا باقی نمی‌گذارد.

صفی علی شاه در توصیف حضرت علی اصغر(ع) این گونه می‌سراید:

بود طفلی شیرخوار اندر حرم	کافرینش را پدر بُد در کرم
گرچه خواندند اهل عالم اصغرش	من ندانم جز ولی اکبرش
بر امید جان نثاری آن زمان	خویش را افکند از مهد امان
دست از قنطاق جان بیرون کشید	بندهای بسته را از هم درید
آری، آری شیر حق است این ولد	آنکه در گهواره اثرها درد

(صفی اصفهانی، ۱۳۷۹ ش: ص ۶۹)

لحن کلام عمان سامانی نیز در مواردی حماسی و شورانگیز است، این شاعر، در هنگام به میدان رفتن اباعبدالله، پس از این که بر ذوالجناح سوار می‌شود، سخنانی از حضرت (ع) خطاب به شمشیرش ذوالفقار نقل می‌کند که لحن حماسی آن در خور توجه می‌باشد:

پس به چالاکی به پشت زین نشست	این بگفت و برد سوی تیغ دست
کای مشعشع ذوالفقار دل شکاف	مدتی شد تا که ماندی در غلاف
آنقدر در جای خود کردی درنگ	تا گرفت آئینه اسلام زنگ
هان وهان ای جوهر خاکستری	زنگ این آئینه می‌باید بری

(سامانی، ۱۳۸۶ ش: ص ۹۵)

در توصیف حضرت زینب(ع) نیز لحن حماسی و کم سابقه او در مقابل نگاه فراوان تراژدی از حضرت زینب(ع) از طرف همعصران و اکثر شاعران عاشورایی، بسیار حایز اهمیت می‌باشد:

زن مگومرد آفرین روزگار	زن مگو بنت الجلال اخت الوقار
زن مگو، خاک درش نقش جبین	زن مگو، دست خدا در آستین

(همان: ص ۹۸)

اما در کنار این لحن حماسی در بعضی از موارد شاید غلبه نگاه عارفانه، او را از نشان دادن صلابت و

جنگاوری عاشوراییان باز می‌دارد به عنوان مثال یکی از نبردهای جانانه و دلاوریهای کم نظیر که راویان عاشورا بازگو کرده‌اند، ماجرای به میدان رفتن حضرت علی اکبر(ع) می‌باشد که در منابع معتبر، کشته شدگان به دست ایشان را تا ۲۰۰ نفر نقل کرده‌اند، امام عمان سامانی بعد از به تصویر کردن لحظه‌های وداع حضرت امام حسین(ع) و علی اکبر(ع) و بازگو کردن تأویلات عرفانی این وداع و برداشتن بزرگترین تعلق در راه رسیدن به معشوق الهی که انصافاً از زیباترین برداشتهای عارفانه در تاریخ ادبیات عاشورایی است. از قول امام حسین(ع) خطاب به علی اکبر این گونه می‌سراید:

خوش نباشد از تو شمشیر آختن بلکه خوش باشد سپر انداختن
تیر مهری بردل دشمن بزن تیر قهری گر بود بر من بزن
رو سپر می‌باشد و شمشیری مکن در نبرد رو بهان شیری مکن
بازویت رانجه گشتن شرط نیست با قضا هم پنجه گشتن شرط نیست
(سامانی، ۱۳۸۶ش: ص ۸۲ - ۸۵)

در پایان این مبحث می‌توان گفت باتوجه به اهمیت و انعکاس والای حماسه در واقعه عاشورا که در بخشهای قبل به گوشه‌ای از آن اشاره گردید، در سیر شعر عاشورایی به جز اندک اشاره‌هایی که مورد بررسی قرار گرفت، رویکرد حماسی در جایگاه واقعی خود قرار نگرفته است و شاعران عاشورایی در بیشتر موارد از این رویکرد اساسی و مهم غفلت ورزیده‌اند.

۴- رویکرد حماسی به واقعه عاشورا بعد از انقلاب اسلامی

رویکرد حماسی به واقعه عاشورا در شعر عاشورایی انقلاب اسلامی مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش شعر عاشورا را تشکیل می‌دهد و در حقیقت این نگاه به واقعه عاشورا در عصر انقلاب اسلامی بعد از چند صدسال کم توجهی و بی‌اقبالیتی احیا می‌شود. نگاه‌های حماسی در این عصر، هم از نظر کمیت و کیفیت بسیار قابل توجه می‌باشد.

زهره محدثی درباره شعر عاشورایی انقلاب اسلامی می‌نویسد:

« در شعر دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هر سه عنصر حضور دارد (سوغ، حماسه، عرفان) اما تحلیل حماسی و بررسی پیام عاشورا در قالب شعر، نمودی بیشتر یافته است. » (محدثی، ۱۳۸۸ش: ص ۲۴۲)

یکی دیگر از محققین شعر عاشورایی، نیز بر همین عقیده است:

«اصلی‌ترین محور شعر عاشورایی عصر انقلاب، ترسیم چهره حق طلب امام(ع) و پایداری او در مقابل ظالمان است.» (ترکمانیان، ۱۳۸۸ش: ص ۵۳)

اغلب محققین شعر عاشورایی رویکرد حماسی را مهم‌ترین بخش شعر عاشورایی انقلاب دانسته‌اند و این مطلب به قدری مبرهن است که با مرور سطحی اشعار عاشورایی انقلاب به راحتی می‌توان به این حقیقت پی برد. از علت‌های احیای بعد حماسی واقعه عاشورا در عصر انقلاب اسلامی ایران می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۴-۱: تأثیر اندیشه‌های امام خمینی(ره)

امام خمینی(ع) همواره در سخنان و نوشته‌ها و رفتار خود بیشترین تأکید را بر ابعاد حماسی واقعه عاشورا داشته‌اند. تصویری که از امام حسین(ع) ارائه می‌دهند، از امام(ع) به‌عنوان انسانی، باطل ستیز و مبارز علیه ظلم و ستم یاد می‌کند. ایشان درباره عاشورا می‌فرماید:

«عاشورا قیام عدالت خواهان با عدوی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ در مقابل ستمگران کاخ نشین و متکبران غارتگر بود.» (امام خمینی، ۱۳۶۱ش: ج ۲، ص ۱۱)

«سیدالشهداء وقتی می‌بیند که یک حاکم ظالمی، جائری در بین مردم دارد حکومت می‌کند تصریح می‌کند حضرت که اگر کسی ببیند که حاکم جائری در بین مردم حکومت می‌کند، ظلم دارد به مردم می‌کند، باید مقابلش بایستد و جلوگیری کند، هر قدر که می‌تواند با چند نفر با چندین نفر که در مقابل آن لشکر هیچ نبود لکن تکلیف بود آنجا که باید قیام بکند و خودش را بدهد تا این که این ملت را اصلاح کند تا این که این علم یزید را بخواباند و همین طور هم کرد... مگر خون ما رنگین تر از خون سیدالشهداء است؟ چرا نترسیم از این که خون بدهیم یا این که خون بدهیم یا این که جان بدهیم؟» (همان: ص ۲۰۸)

امام خمینی(ره) حتی در مواردی که دیگر ابعاد واقعه عاشورا مانند تراژدی را بازگو می‌کند باز هم کلام او در پایان به حماسه و باطل ستیزی منجر می‌شود:

«مجالس عزای حسینی(ع)، شعائر مذهبی و سیاسی ماست، ذکر مصائب مظلوم و ذکر جنایات ظالم در هر عصری مظلومان را مقابل ظالم قرار می‌دهد. (امام خمینی، همان: ۳۱۶)

در جای دیگر می‌فرماید:

«بی خود، بعضی از ائمه (ع) ما نمی‌فرمایند که برای من در منا روضه بخوانند، بی خود نمی‌گویند هر کس که بگرید، بگریاند یا صورت گریه کردن به خودش بگیرد، اجرش فلان و فلان است مسأله، مسأله گریه نیست، مسأله، مسأله تباکی نیست، مسأله، مسأله سیاسی است که ائمه (ع) ما باهمان دید الهی که داشتند می‌خواستند که این ملتها را با هم بسیج کنند و یکپارچه کنند، تا آسیب‌پذیر نباشد.» (همان ص: ۲۶).

از میان عوامل احیای رویکرد حماسی به واقعه عاشورا، نقش امام خمینی (ره) به‌خاطر تأثیر شخصیت نیرومند مذهبی و برخورداری از جایگاهی رفیع به‌عنوان رهبر انقلاب و هم‌چنین نفوذ کلام ایشان بی‌شک از همه عوامل دیگر مهم‌تر و اساسی‌تر می‌باشد.

۴-۲: تحولات عصر مشروطه

حال و هوایی که با تحولات نهضت مشروطه وارد اجتماع و به تبع آن وارد ادبیات عصر مشروطه گردید، نگاه جامعه متفکران و مردم آن عصر را دستخوش تغییراتی کرده بود. روحیه ستم‌ستیزی آزادی و عدالت که از جمله آرمانهای این نهضت به شمار می‌رفت در نگاه شاعران به واقعه عاشورا نیز تأثیر فراوان داشته است.

محمد علی مجاهدی تأثیرات این نهضت را بر شعر عاشورایی این‌گونه بیان می‌کند:

«شعر عاشورا از دو روی، متأثر از «شعر مشروطیت» است هم از نظر ساختاری و هم از جهت غنای محتوایی، از نظر «محتوایی» و رویکرد جدی به «مفاهیم ارزشی» تا حد زیادی مرهون عنایت شعرای این دوره به مقوله‌های مختلف ارزشی از قبیل ستم‌ستیزی؛ آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی است) (مجاهدی، ۱۳۷۹ش: ص ۱۲۷)

از شاعران عاشورایی این دوره می‌توان به یغمای جندقی (متوفی، ۱۲۷۶، هـ.ق) اشاره کرد. هر چند نهضت مشروطه از همان ابتدا نتوانست شعر عاشورایی را کاملاً تحت تأثیر خود قرار دهد و از آن رکودی که به‌علت توجه تام به ابعاد تراژدی و عاطفی که از عصر صفویه آغاز گشته بود، رهایی یابد، ولی رفته رفته زمینه را در جامعه به گونه‌ای آماده می‌کرد تا با حرکت انقلاب اسلامی ایران رویکرد حماسی به واقعه عاشورا بعد از مدتها احیا گردد.

۳-۴: برداشتهای حماسی متفکران دوران انقلاب اسلامی

بعد از سکون و رخوتی که به علت توجه بیش از اندازه به ابعاد عاطفی و تراژدی و در بعضی موارد توجهات صرفاً عرفانی به واقعه عاشورا دامن گیر شعر عاشورایی گردیده بود، در دوران نزدیک به انقلاب اسلامی، متفکرانی دست به قلم زدند که تمام تلاش خود را برای پررنگ جلوه دادن رویکردهای حماسی و سیاسی و خارج ساختن شیعه و عاشورا از رکود و رخوت به کار گرفته بودند.

«در فضایی که امام خمینی (ره) کتاب ولایت فقیه را نگاشت و ولایت فقیه را به عنوان یک نظریه جامع حکومتی تبیین می نمود، در ایران، نوشته‌هایی همچون «راه حسین» «الفبای قیام امام حسین (ع)» «شهید جاوید»، «تحریفات عاشورا» و «شهادت» منتشر می شد. این کتابها که برپایه نگرشهای مختلفی تألیف گشته بود و گاه میان نویسندگان آنها نیز تعارضاتی وجود داشت، اما همه به این نتیجه رسیده بودند که باید از نهضت عاشورا برداشت سیاسی جدی تر کرد» (دیباچی، ۱۳۶۰ش: ص ۹۷۰).

متفکرانی مانند شهید مطهری، دکتر علی شریعتی، و صالحی نجف آبادی و ابوالحسن نجفی، برداشتهای کاملاً حماسی از واقعه عاشورا ارائه کردند و سهمی شایان در احیای رویکرد حماسی در شعر عاشورایی انقلاب اسلامی داشته‌اند. تأثیر شاعران عاشورایی انقلاب از این متفکران خصوصاً دکتر علی شریعتی صاحب کتاب «حسین وارث آدم»، کاملاً محسوس است.

تمام این عوامل دست به دست هم داده‌اند تا شعر عاشورایی انقلاب در جایگاه واقعی خود قرار بگیرد و نگاه حماسی به واقعه عاشورا پس از قرن‌ها کم توجهی دوباره احیا شود. در فصل بعد عناصر و ویژگیهای این رویکرد در انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می گیرد.

۵- ویژگیها و مشخصه‌های رویکرد حماسی به عاشورا در شعر عاشورایی انقلاب

بعد از بررسی رویکرد حماسی در شعر شاعران انقلاب اسلامی، ویژگیهای زیر در اغلب شواهد، نمایان گردید: انتخاب شخصیت‌های حماسی از میان، زنان، پیران، و کودکان، - پیروزی خون بر شمشیر- استمرار عاشورا- نگاههای حماسی به مرگ. در بخش بعدی، این ویژگیها بررسی می شود.

۵-۱: انتخاب شخصیت‌های حماسی از میان (کودکان، زنان و پیران) که در ادبیات نماد ضعف

شناخته می شوند.

شاعر عاشورایی انقلاب با اطلاع از سیر شعر عاشورایی به خوبی می داند که رویکرد حماسی قرنهایست که مورد بی مهری قرار گرفته و برای جبران این کمبود و بیشتر جلوه دادن ابعاد حماسی عاشورا، نه تنها از شخصیت‌هایی نظیر «حضرت ابوالفضل (ع)، حضرت علی اکبر (ع) و امام حسین (ع)» که حماسه‌سازانی بی نظیر بوده‌اند، استفاده می کند، سعی می کند قهرمانان و شخصیت‌های حماسی اشعار خود را از میان (زنان و پیران و کودکان) انتخاب کند که در ادبیات ما نماد و سمبل ضعف شناخته می شوند. قیصرامین پور در شعر نو عاشورایی خود (منظومه ظهردهم) قهرمان شعر خود را کودکی قرار می دهد که آن قدر کوچک است که به گفته شاعر (کودکی تنها که تیغش بر زمین می خورد) (امین پور، ۱۳۷۳ ش: ص ۱۴)

شاعر خود به این نکته که کودک نماد ضعف و ترحم می باشد اشاره دارد:

چشمها از یکدگر پرسان

«کودک و میدان؟»

کار کودک خنده و بازیست! (همان: ص ۴)

و در مرحله بعد روحیات و کردار حماسی این کودک را شرح می دهد:

کودکی لب تشنه سوی دشمنان می رفت

با خودش تیغی ز برق آسمان می برد

کودکی تنها که تیغش بر زمین می خورد

کودکی تنها که شمشیر بلندش کربلا را شخم می زد!

در زمین کربلا با گامهای کودکانه

دانه مردانگی می کاشت

گرچه کوچک بود، شمشیر بلندی داشت. (همان: ص ۱۴)

علی موسوی گرمارودی نیز در ترکیب‌بند عاشورایی خود، از حبیب بن مظاهر که در سنین کهنسالی در واقعه عاشورا حضور داشت به عنوان شخصیت حماسی داستان خود استفاده می کند و ضمن اشاره به

کهولت سن و پیری حبیب چنین می‌سراید:

ای عشق از تو پیر و جوان را گزیر نیست
 ای سربلند با تو کسی سربه زیر نیست
 گرسوی کس اشاره به جان باختن کنی
 فرقی میان عاشق برناو پیر نیست
 از زیر برف پیری اولاله بردمید
 هر گه ز باغ دل بدمد لاله، دیر نیست
 (گرمارودی، ۱۳۸۸ش: ص ۱۱۰)

بعد از تأکید بر این نکته به جنبه‌های حماسی شخصیت این پیرمرد دلاور اشاره می‌کند:

جان را به راه دیدن محبوب داد و گفت
 هر کس نه پیش چشم تو میرد بصیر نیست
 در بیشه‌های سبز وفا شیر سرخ بود
 رهرواگر حبیب نباشد دلیر نیست
 از صولتی که در نگه آن دلیر بود
 در لرزه می‌فتاد و گرجان شیر بود
 (گرمارودی، همان: ص ۱۱۰)

شخصیت دیگری که شاعران انقلاب با نگاه بسیار متفاوت از شعرای قبل از انقلاب اسلامی به آن توجه داشته‌اند حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) خواهر امام حسین (ع) می‌باشد اکثر شاعران قبل از بیشتر به جنبه‌های تراژدی این شخصیت توجه داشته و به منظور تحریک عواطف از آن بهره می‌جسته‌اند. اما در شعر بعد از انقلاب، قضیه کاملاً متفاوت است. در شعر عاشورایی انقلاب، عمده رویکردها به شخصیت حضرت زینب (ع) نگاه‌های حماسی و شکوهمند می‌باشد و اغلب شاعران به این مهم توجه داشته‌اند:

نصرالله مردانی در این باره می‌سراید:

زینب ای اسوه ایثار و خروش
 بیرق داد گرفتی تو به دوش
 زینب ای شیر زن کربلا
 جوش با خون تو زد خون خدا
 خطبه‌ات رونق بیداد شکست
 کاخ بیداد زینبید شکست
 (مجاهدی، ۱۳۷۶ش: ص ۳۳۷)

علی موسوی گرمارودی بیشتر از همه به این نکته توجه داشته است:

چشمان علی است در نگاهش
 توفان خداست ابرآهش
 در بیشه سرخ غم‌نوردی است
 سرمشق کمال شیر مردی است
 یک بیشه نگاه شیر ماده
 افتاده به قامت اراده
 این‌سوی غم ایستاده والا
 آن‌سوی شرف، بلند بالا

(گرمارودی، ۱۳۶۳: ص ۱۵۴)

خواست که غم دست تو بندد ولی	غم که بود در بردخت علی
قامت تو قامت غم را شکست	دخت علی را نتوان دست بست

(محمدزاده، ۱۳۸۳ش: ص ۱۳۶۴)

زینب چوکوه صولت و چون مه جمال داشت	یک بیشه شیر بود که روح غزال داشت
یک سینه نحیف و شکیب هزار داغ	غم از شکوه غم شکنش انفعال داشت
زینب شکوه بود زنی بی ستوه بود	زن بود و همتراز دل و دست کوه بود

(گرمارودی، ۱۳۸۸ش: ص ۱۱۵)

در اینجا باید بار دیگر یادآوری نمود که نگاه حماسی به حضرت زینب(ع) در شعر عاشورایی انقلاب به این معنی نیست که دیگر ابعاد شخصیت وی و دیگر قهرمانان عاشورا غفلت شده، بلکه نگرش‌های عرفانی و تراژدی نیز وجود دارد ولی غلبه با رویکرد حماسی است.

این نوع نگاه به شخصیت‌های عاشورایی و بر جسته کردن افعال و روحیات حماسی در شخصیت‌هایی که در فرهنگ‌ها نماد ضعف و ترحم به شمار می‌روند، حرکتی آگاهانه از سوی شاعران متعهد انقلاب اسلامی برای جبران و کمبود این رویکرد در طول تاریخ شعر عاشورایی است و با این کار می‌خواسته‌اند که تا با تأکید بر رویکرد فراموش شده حماسی در سیر ادب عاشورایی، به نوعی تعادل و ثبات در نگرش یکسان به همه ابعاد عاشورا دست پیدا کنند.

ممکن است بتوان این نوع برخورد شاعران انقلاب را با پیشگامان حرکت ادبیات عرفانی و مخصوصاً حافظ شیرازی در غزل عارفانه فارسی مقایسه نمود. استفاده شاعران عارف، به ویژه حافظ از شخصیت «رند» که پیش از ورود به حیطه شعر عرفانی، به منظور معرفی انسانهای رذل و بی مایه به کار گرفته می‌شد و قرار دادن آن در مقابل زاهد و صوفی برای جبران روحیه ریاکاری، ظاهر سازی و خودپرستی در عصر این شاعر انجام پذیرفت. حافظ برای معرفی انسان کامل از شخصیت بی قید و بند و پاک باز «رند» بهره می‌گیرد تا در مقابل زاهد ظاهرپرست، به نوعی تعادل دست یابد و در این میان، انسان ایده آل او خودنمایی کند.

انتقاد از نگاه‌های صرفاً عاطفی و سوگوارانه و مطرح کردن نگاه‌های حماسی به جای آن، از مشخصه‌های

بارز شعر عاشورایی انقلاب اسلامی به شمار می آید. قیصر امین پور که مانند اکثر شاعران عاشورایی انقلاب، رویکرد حماسی، غلبه‌ای محسوس بر زاویه نگارش او بر واقعه عاشورا دارد، انتقاد خود را از توجه صرفاً سوگوارانه به این واقعه چنین بیان می‌دارد:

کودکان کربلا

راستی آیا

کودکان کربلا تکلیفشان تنها

دائماً تکرار مشق آب! آب!

مشق بابا آب بود؟ (امین پور، ۱۳۸۶ش: ص ۲۱)

همه این انتقادهای می‌خواهند این نتیجه را بگیرند که توجه بیش از حد به ابعاد تراژدی واقعه عاشورا خطری مهم برای شعر عاشورایی به شمار می‌رود. طبیعی است که به‌علت رویارویی دو بعد تراژدی و حماسه، توجه بیش از حد به بعد تراژدی، صدمه‌هایی جبران‌ناپذیر به ابعاد حماسی واقعه عاشورا می‌زند و شاعران متعهد انقلاب آگاهانه بعد از انتقاد از این توجه صرف به ابعاد سوگوارانه، ابعاد حماسی کربلا را مطرح می‌کنند.

علی موسوی گرمارودی با احاطه‌ای که به این مسئله مهم دارد، یک بند از ترکیب‌بند عاشورایی خود را به این امر خطیر، اختصاص می‌دهد:

جز مهر و گل که بر سر و بر جبهه سوده‌ایم	خاکی دگر ز کوی تو بر سر نکرده‌ایم
رگهای ما ز خون تو خالی ست وین شگفت	یک سطر ما ز خون تو از بر نکرده‌ایم
یک عمر همچو ابر به سوگت گریستیم	یک لحظه با حماسه تو سر نکرده‌ایم
کار حماسه تو گل آفرینش است	تا رستخیز خون تو سر مشق بینش است

(گرمارودی، ۱۳۸۸ش: ص ۱۲۲)

و این بیت معروف از حسین منزوی نیز بیانگر این مطلب است:

حد تورثانیست عزای تو حماسه ست ای کاسته شأن تو از این معرکه گیران
(منزوی، ۱۳۷۷ش: ص ۴۹)

۵-۲: پیروزی خون بر شمشیر

«همیشه فتح، به معنای پیروزی نظامی نیست گاهی سلاح مظلومیت، برنده‌تر از سلاح آهنین و

آتشین است و خون شهدا در یک مبارزه حق بر ضد باطل، پایه‌های سلطه جور را سست می‌کند و زمینه آگاهی مردم و سپس قیام آنان را فراهم می‌آورد و جباران ظالم پس از رسوایی، شکست خورده و نابود می‌شوند این مفهوم پیروزی خون بر شمشیر است.» (محدثی، ۱۳۸۷ش: ص ۲۴۰)

این اعتقاد، یکی از اساسی‌ترین اهداف قیام امام حسین (ع) و شاید مهم‌ترین دلیلی است که حضرت با این که از وقایع کربلا و شهادت خود و یارانشان و حتی اسیری خاندان خویش آگاهی داشتند از مکه خارج می‌شوند و راه شهادت را انتخاب می‌کنند. این منطق عاشورا، همواره سرلوحه مبارزات شیعه برضد طاغوتها، قرار گرفته است و در انقلاب اسلامی ایران بار دیگر، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (ره) بود که به احیای این منطق کمره‌مت بست و قیام ایشان نیز همانند قیام عاشورا با همین اعتقاد به پیروزی رسید. امام (ره) بارها، محرم را ماه پیروزی خون بر شمشیر معرفی کرده است:

«ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قدرت حق باطل را تا ابد محکوم و داغ باطل بر جبهه ستمکاران حکومت‌های شیطانی زد، ماهی که به نسله‌ها در طول تاریخ راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت. ماهی که باید مشت گره کرده آزادیخواهان و استقلال طلبان و حق‌گویان بر تانکها و مسلسلها و جنود ابلیس غلبه کند و کلمه حق باطل را محو نماید.» (امام خمینی ۱۳۶۱ش: ج ۱۳، ص ۲۲۵).

از دیگر متفکرانی که در تحلیل واقعه عاشورا از این مفهوم سود جسته و هدف اصلی حرکت امام حسین را این حقیقت مهم معرفی کرده است، می‌توان از دکتر علی شریعتی نام برد، شاعران متعهد انقلاب اسلامی از این مفهوم بارها و بارها در شعر خود استفاده کرده‌اند، مخصوصاً در زمانهای پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی، این رویکرد به شدت در آثار شاعران عاشورایی دیده می‌شود.

نصرالله مردانی در اشعار خود بیش از همه مفهوم «پیروزی خون بر شمشیر» را به کار گرفته است و شدت کاربرد این مفهوم در اشعار وی بی‌حدی است که در بعضی از آثار وی مانند: خون نامه خاک و قانون عشق کلمه «خون» در بیشتر ابیات وی به کار رفته است:

راه ما راه حسین است که با تیشه خون همه بت‌های زمین، در شب روشن شکنیم

(منزوی، ۱۳۷۷ش: ص ۴۹)

بانوی باوقار گل از کربلای خون با گامی استوار بیاد عزای خون
 منصور سربریده ما با زبان سرخ ناخوانده گفت قصه‌ای بی انتهای خون
 ای قهرمان فاتح فردای روزگار پوشیده‌اند با تو سواران ردای خون
 (همان: ص ۲۳۰)

مردانی، پیروزی انقلاب اسلامی را نیز همانند واقعه عاشورا و رهبر انقلاب را نیز هم چون امام حسین (ع) تصویر می‌کند و به زیبایی مفهوم پیروزی خون بر شمشیر را منتقل می‌کند و برای شکستن سد دشمن به سیل خون اشاره می‌کند:

می‌داند اسم اعظم پیردلاور ما فریاد سرخ خون است فریاد رهبر ما
 جلادهای تاریخ، با دشنه‌های خونین در جشن خون گریزان از خاک کشور ما
 سد سپاه دشمن با سیل خون شکستند در سنگر خدایی یاران دیگر ما
 (همان: ص ۲۰۴)

یکی از اصلی‌ترین مفاهیمی که علی موسوی گرمارودی نیز در شعر عاشورایی «خط خون» اشاره می‌کند، ارزش خون امام حسین (ع) و پیروزی خون بر شمشیر و همه دشمنان اسلامی است:

مرگ سرخت / تنها نه نام یزید را شکست / و کلمه ستم را بی سیرت کرد / که فوج کلام را نیز در هم می‌شکند / هیچ کلام بشری نیست / که در مصاف تو نشکند / ای شیر شکن! / خون تو بر کلمه فزون است / خون تو بر بستری از آن سوی کلام / فراسوی تاریخ / بیرون از راستای زمان / می‌گذرد / (موسوی گرمارودی، ۱۳۷۸ش: ص ۶۲)

در جای دیگر پیروزی خون بر شمشیر را به گونه‌ای دیگر تعبیر می‌کند:

خط تو با خون تو آغاز می‌شود / از آن زمان که تو ایستادی / دین راه افتاد / و چون فرو افتادی حق برخاست / و تو شکستی و «راستی» درست شد / و از روانه خون تو / بنیاد ستم سست شد / (همان: ص ۶۱)

سراسر شعر زیبای عاشورایی «خط خون» همان طور که از نام این اثر بر می‌آید، بیان‌هایی متفاوت و تعابیر مختلف و زیبایی از این مفهوم والا است، تأکید شاعر بر این اعتقاد اصلی عاشورایی، اهمیت این مسئله را نشان می‌دهد، در بخش دیگر این شعر به این بیان می‌رسیم:

تو قرآن سرخی / «خون آیه»‌های دلاوریت را / بر پوست کشیده صحرا نوشته‌ای / و نوشتارها /

مزرعه‌های شد/ با خوشه‌های سرخ/ و جهان یک مزرعه شد/ با خوشه، خوشه خون/ و هر ساقه/ دستی و داسی و شمشیری/ و ریشه ستم را و جین کرد/ «(همان:ص ۶۳)

قیصر امین‌پور در منظومه ظهر دهم بعد از تصویر کردن رشادتهای کودک دلاور داستان خود و شهادت او به پیروزی آن کودک، که با جاری شدن خون او به دست آمده، اشاره می‌کند:

قصه آن کودک پیروز/ سالها سینه به سینه گشت تا امروز/ بوی خون او هنوز از باد می‌آید داستانش تا ابد در یاد می‌ماند/ خون او امروز در رگهای گل جاری است/ خون او در نبض بیداری است/ خون او در آسمان پیداست/ خون او در سرخی رنگین کمان پیداست/ این زمان او را/ در میان لاله‌های سرخ باید جست/ از میان خون پاک او در آن میدان/ باغی از گل رست/ (امین‌پور، ۱۳۷۳، ش:ص ۱۱)

۵-۳: استمرار «عاشورا»

یکی از ویژگیهای مهم و اساسی در رویکرد شاعران انقلاب به واقعه عاشورا، استمرار عاشورا و حرکت و قیام امام حسین (ع) در طول تاریخ و الگو گرفتن از واقعه عاشورا در زمانها و مکانهای مختلف می‌باشد، «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا»، عبارتی است که در بردارنده این مفهوم سترگ می‌باشد. همان‌طور که اشاره شد، غلبه رویکرد تراژدی در سیر ادبیات عاشورایی مفهوم جملات و احادیث را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد، اما در انقلاب اسلامی، مفهوم این عبارت که در گذشته چیزی جز انفعال و رکود نصیب جامعه خود نمی‌کرد، به یک مفهوم حماسی و ظلم ستیزانه تبدیل شد که جامعه را به تحرک وامی‌داشت و موجب تزریق روحیه شجاعت و حماسه به فرهنگ عاشورا و پیروان عاشورا می‌گردید. بی‌شک امام خمینی (ره) بیشترین سهم را در این طرز تلقی به واقعه عاشورا و استمرار آن داشته است. ایشان در یکی از بیاناتش در این باره می‌فرماید:

«این کلمه «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» یک کلمه بزرگی است که اشتباهی می‌فهمند. آنها خیال می‌کنند که یعنی هر روز باید گریه کرد! لکن این محتوایش غیر از این است. کربلا چه کرد. ارض کربلا در روز عاشورا چه نقشی را بازی کرد، همه زمینها باید آن طور باشند، نقش کربلا این بود که سیدالشهداء- سلام الله علیه- با چند نفر جمعیت عدد معدود، آمدند کربلا و ایستادند در مقابل ظلم یزید و در مقابل دولت جبار در مقابل امپراطور زمان ایستادند و فداکاری کردند و کشته شدند، لکن ظلم را قبول نکردند و شکست دادند یزید را. همه جا باید این طور باشد. همه روز هم باید این طور باشد، همه

روز باید ملت ما این معنا را داشته باشد که امروز روز عاشورا است و ما باید مقابل ظلم بایستیم» (امام خمینی، ۱۳۶۱ش: ج ۱۰، ص ۱۲۲-۱۲۳)

این اندیشه، بارها و بارها در بیانات ایشان مورد تأکید قرار گرفته و انقلاب اسلامی نیز که انعکاس واقعه عاشورا می‌باشد، نتیجه این نگاه به واقعه عاشورا است. بسیار واضح است که اگر از جملاتی نظیر این فقط مفهوم اشک و توجه در هر زمان و مکان و یا برداشتهای صرفاً عرفانی، استنباط می‌شد، انقلاب اسلامی هیچ گاه به ثمر نمی‌نشست. اما در این میان برخی از متفکران، نگاه‌هایی متفاوت را در استمرار عاشورا و چگونگی الگو گرفتن از این واقعه بیان می‌دارند و به عبارت دیگر، درسی را که امروز انسان باید از عاشورا تحصیل کند چیزی جدا از حماسه و مبارزه می‌دانند:

دکتر عبدالکریم سروش در این باره می‌نویسد:

«روزگاری دولت امویان بر سر کار بود و همانها که در واقع کشندگان حسین(ع) بودند هنوز به حکومت و ریاست ادامه می‌دادند، خیلی طبیعی بود کسانی که این سو ایستاده بودند و طرفداران فرزند پیامبر و شیوه مکتب او بودند آرزو کنند که روزی بر دشمنان خود، که هنوز سر کار بودند، دست یابند و انتقام آن خونهای به ناحق ریخته را از آنها بگیرند، لذا در مقابل آنها دعاها و زیارت‌نامه‌ها پدید آوردند و نسلاً بعد نسل، این کینه و این آرزوی انتقام را به یکدیگر منتقل کردند و کوشیدند تا کوره انتقام‌گیری و مبارزه و مقابله را همچنان گرم نگه دارند.» (سروش: ۱۳۸۳ش: ص ۱۳۵)

و بعد از این مقدمات نتیجه می‌گیرد:

«ولی آن کجا و سیزده قرن بعد کجا که نه از دولت امویان و عباسیان خبری است و نه آن دشمنان و کشندگان بالفعل و نه اعقاب و نسلهای بعد از آنها، هیچ کدام در صحنه موجود نیستند، هنوز هم از داستان حسین(ع) استفاده کردن و عنصر انتقام و عنصر کینه‌توزی و عنصر خشونت و خونریزی را زنده نگه داشتن و از طریق تحریک عواطف دشمنان عینی و غیرعینی موهوم و غیر موهوم تراشیدن و این حادثه را خرج آن امور کردن شایسته نیست و جفا کردن بر یک واقعه به حق زیبای انسانی است که روزگاری رخ داده است و اکنون کسانی خرج خورجین خود می‌کنند. شهادت را هیزم کوره خشونت کردن، بدترین استفاده‌ای است که از این مفهوم والای انسانی می‌توان کرد.» (سروش، همان: ص ۱۳۵-۱۳۶)

در این باره، باید گفت که درست است که امویان و عباسیان نابود شده‌اند و سیزده قرن است که از آنها خبری نیست ولی اموی و عباسی صفتان همواره در طول تاریخ وجود داشته‌اند و مبارزه با آنها همیشه

می تواند سر لوحه پیروان راه عاشورا قرار بگیرد. درست است که نباید از داستان حسین (ع) همواره به عنوان ابزاری برای تحریک حس انتقام و خشونت استفاده کرد، اما در مواقعی که ظالمان و یزیدیان بر جامعه حکومت می کنند، حماسه، مهم ترین درسی است که می توان از واقعه عاشورا گرفت.

این آرزوی مسلم هر مؤمن و مجاهدی است که صلح و ثبات در جامعه محقق شود و قتل و خونریزی برای همیشه از جامعه رخت بر بندد، ولی تاریخ نشان داده است که صف یزیدیان و ظالمان همیشه در زمانهای مختلف وجود داشته است و در مقابل آنها نیز چاره ای جز ایستادگی و مقاومت نیست.

ترحم بر پلنگ تیز دندان ستمکاری بود بر گوسفندان

(سعدی، ۱۳۸۹ش: ص ۱۷۹)

حمید سبزواری شاعر متعهد انقلاب اسلامی به زیبایی به این مضمون اشاره دارد:

تاموچ می خروشد و تا بحر می تپد یاد از خروش او به صف کارزار هست

تا عدل هست رأیت او هر طرف به پاست تا ظلم هست، نهضت او استوار هست

تا در زمانه رسم یزید است برقرار سودای دادخواهی او برقرار هست

(سبزواری، ۱۳۶۷ش: ص ۲۸۷)

انقلاب اسلامی ایران نیز که توسط امام خمینی (ره) به پیروزی رسید، حرکت خود را الهام گرفته از عاشورا و حرکت امام حسین می بیند. ایشان خود و انقلاب خود را متأثر از عاشورا و در تقابل با ظالمان و یزیدیان عصر خود تعریف می کند:

« هفده شهریور مکرر عاشورا و میدان شهدا مکرر کربلا و شهدای ما مکرر شهدای کربلا و مخالفان

ما مکرر یزید و وابستگان او هستند.» (خمینی، ۱۳۶۱ش: ج ۹، ص ۵۷)

علی موسوی گرمدروی نیز در شعر سپید عاشورایی خود به این استمرار عاشورا با نگاه حماسی می نگرد و همیشه و همواره در طول تاریخ به رویارویی با ظالمان زمان در طول تاریخ اشاره می کند:

تو قرآن سرخی / «خون آیه» های دلاوریت را / بر پوست کشیده صحرانوشتی و نوشتارها / مزرعه ای

شد / با خوشه های سرخ / و جهان یک مزرعه شد / با خوشه، خوشه خون و هر ساقه / دستی و داسی و

شمشیری / و ریشه ستم را و جین کرد. / و اینک / و همواره / مزرعه سرخ است / (گرمارودی، ۱۳۷۸ش: ۶۶).

علی معلم دامغانی، در مثنوی عاشورایی خود به نام «هجرت» با مطلع «این فصل را با من بخوان باقی

فسانه است / این فصل را بسیار خواندم عاشقانه است» نگاه جدی و اساسی به مفهوم استمرار عاشورا دارد.

دامغانی با مطرح کردن حدیث «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا» و همچنین مفهوم ولایت، قیام امام حسین (ع) را به زیبایی با قیام امام خمینی (ره) پیوند می‌دهد و با استفاده از مفهوم «استمرار عاشورا» رابطه‌ای ولایی ایجاد می‌کند:

در جان عالم جوشش خون حسینی است	اینک قیام قائم مهدی خمینی است
شبگیر غم بود و شبیخون بلا بود	هر روز عاشورا و هر جا کربلا بود
اینک که آیا؟ ضامن این دین و دین است	آیا کدامین دست نصرت با حسین است
شورید از این هنگامه گیتی بار دیگر	ای شور عاشورای ماتکرار دیگر
این پیر رهبر با اسیران در بلا بود	باماحسین آسابدشت کربلا بود
باشورا بر اهی میان عرض ولا کرد	گوئی حسین از کعبه قصد کربلا کرد

(علی معلم، ۱۳۶۰ ش: ص ۱۳۵-۱۲۵)

قیصر امین پور در منظومه ظهر دهم به استمرار عاشورا در زمانهای مختلف اشاره دارد و صدای «هَل مین ناصِرِ یَنْصُرُنِی» امام حسین (ع) را نه فقط در روز عاشورا بلکه در تمامی زمانها به گوش جان می‌شنود:

«این صدای زاده زهراست / «هست آیا یآوری ما را؟» / باد با خود این صدا را برد / و صدای او به سقف آسمانها خورد / باز هم برگشت / «هست آیا یآوری ما را» / انعکاس این صدا تادورترها رفت / تادل فردا و آن سوتر ز فردا رفت / (امین پور، ۱۳۷۳ ش: ص ۹)

۴-۵: مرگ اندیشی (نگاه حماسی به مرگ)

از نشانه‌های توجه حماسی به واقعه عاشورا، تفسیر متفاوت مرگ در محضر عاشوراییان است که در شعر انقلاب اتفاق می‌افتد. در این نگاه مرگ زبون و ذلیل است و هیچ یک از شخصیت‌های عاشورایی پروا و پرهیزی از مرگ ندارند. (کافی، ۱۳۸۶ ش: ص ۵۱۸)

شاعران انقلاب، بارها در اشعار عاشورایی خود به زبونی و خواری مرگ در نزد عاشوراییان اشاره کرده‌اند:

علی موسوی گرمارودی یکی از شاعرانی است که تأملات فراوان در شعر سپید عاشورایی به مسئله «مرگ» و چگونگی آن داشته است، وی زبونی و خاری، «مرگ» را در نزد عاشوراییان این گونه توصیف می‌کند:

مرگ در پنجه تو / زبون تراز مگسی ست / که کودکان به شیطنت در مشت می گیرند / (موسوی گرمارودی، ۱۳۷۸ ش: ص ۶۰)

نصرالله مردانی نیز مرگ را در مقابل حضرت حسین (ع) این گونه توصیف می کند:
 مرگ هرگز به حریم حرمت راه نیافت هر کجا دید نشانی ز تو چالاک گذشت
 (مردانی، ۱۳۷۰ ش: ص ۲۰)

اما مرگی که مورد ستایش شاعران عاشورایی انقلاب قرار می گیرد «مرگ سرخ» است که حیات واقعی و زندگی حقیقی را در چنین مرگی باید جستجو کرد:
 - مرگ تو / مبدأ تاریخ / آغاز رنگ سرخ / معیار زندگی است / (موسوی گرمارودی، ۱۳۷۸ ش: ص ۵۹)

- آه ای مرگ تو معیار / مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت / و آن را بی قدر کرد / که مردنی چنان / غبطه بزرگ زندگانی شد / (همان: ص ۶۲)

شادروان قیصر امین پور نیز «جاودانه ترین طرز بودن» را مرگ سرخ معرفی می کند:
 هر جا که سر زدم همه در مرز بودن است کو مرز تازه ای که فراتر ز بودن است؟
 کو عمر خضرو طلب مرگ سرخ کن کاین شیوه جاودانه ترین مرز بودن است
 (امین پور، ۱۳۶۸ ش: ص ۳۹۵)

و چنین مرگی است که عاشوراییان در اشتیاق آن گوی سبقت از یکدیگر می ربایند و برای آنها

شیرین تر از عسل جلوه می کند:

موسوی گرمارودی از زبان حضرت قاسم (ع) به توصیف مرگ می پردازد.

قاسم ز شوق وصل، سراز پانمی شناخت بی شوق حق، مناسک دل ناتمام بود

شیرین تراست از عسل ار مرگ آبروست زهراست زندگی اگر بندگی در اوست

(گرمارودی، ۱۳۸۸ش: ص ۱۱۳)

نتیجه گیری

۱. با وجود تأکید شواهد فراوان بر ابعاد حماسی واقعه عاشورا، در طول تاریخ شعر عاشورایی، این بعد مهم عاشورا کمتر منعکس می شود؛
۲. این علتها را برای احیای بعد حماسی واقعه عاشورا در دوران انقلاب اسلامی می توان برشمرد: اندیشه های ولایی و حماسی امام خمینی (ره)، تحولات عصر مشروطه، بینش حماسی متفکران عصر انقلاب؛
۳. شاعران انقلاب برای جبران بی توجهی ابعاد حماسی عاشورا در گذشته قهرمان داستانها و اشعار خود را کودکان و پیرها و زنان که در ادبیات نماد ضعف به شمار می روند انتخاب کرده اند؛
۴. فضای حماسی عاشورا بار معنایی و مفهوم واژه ها و جملات را تغییر می دهد. سخنانی همچون «کُلُّ یَوْمٍ عَاشُورَا» که مفهوم تراژدی و سوگ از آن منتقل می شد، مفهوم حماسی به خود می گیرد و نگاه شاعران عاشورایی به مرگ نیز با همین رویه، روبه رو می شود.

منابع و مأخذ

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۸۵ش)، لهوف، مترجم محمداسکندری، چاپ اول، آرام دل، تهران.
۲. ابن اثیر، ضیاء الدین (۴۰۸ق)، الکامل، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۳. امین پور، قیصر (۱۳۷۳ش)، ظهرروز دهم، چاپ اول، سروش، تهران.
۴. _____، (۱۳۸۶ش)، دستور زبان عشق، چاپ دوم، مروارید، تهران.
۵. _____، (۱۳۶۸ش)، تنفس صبح، سروش، تهران.
۶. ترکمانیان، حسین (۱۳۸۸ش)، سبوی کریم، چاپ اول، آستان قدس رضوی، مشهد.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷ش)، حماسه و عرفان، چاپ دوازدهم، مرکز نشر اسراء، قم.
۸. خوارزمی، (۱۳۹۴ق)، مقتل الحسین، مکتبه مفید، قم.
۹. دیباجی، محمد علی (۱۳۶۰ش)، ولایت ققیه و امام خمینی، دومین مجموعه مقالات کنگره امام و عاشورا، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۰. سبزواری، حمید (۱۳۶۷ش)، سرود درد، چاپ اول، انتشارات کیهان، تهران.
۱۱. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۳ش)، امام حسین (ع) در مثنوی، مجموعه مقالات عاشورا در گذر به عصر سکولار، کبیر، تهران.
۱۲. سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۹ش)، گلستان سعدی، چاپ نهم، خوارزمی، تهران.
۱۳. سنگری، محمد رضا (۱۳۸۱ش)، پیوند دو فرهنگ، چاپ اول، یاقوت، قم.
۱۴. طبری، محمدبن جریر (۱۳۵۸ش)، تاریخ طبری، قاهره.
۱۵. عمان سامانی، نورالله بن عبدالله (۱۳۸۶ش)، گنجینه الأسرار، چاپ دوم، آرام دل، تهران.
۱۶. قآنی شیرازی، (۱۳۶۳ش)، دیوان، بی جا، تهران.
۱۷. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۳۸۴ق)، ینابیع الموده، مکتب الحیدریه، نجف.
۱۸. محدثی، جواد (۱۳۸۷ش)، پیامهای عاشورا، زمزم هدایت، قم.
۱۹. محدثی، زهرا (۱۳۸۸ش)، شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، مجتمع فرهنگی عاشورا، تهران.
۲۰. مجاهدی، محمد علی (۱۳۷۹ش)، شکوه شعر عاشورا، مرکز تحقیقات سپاه، قم.
۲۱. _____، (۱۳۷۶ش)، بال سرخ قنوت (مجموعه شعر عاشورایی)، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
۲۲. مردانی، نصر الله (۱۳۷۰ش)، آتش نی، چاپ اول، اطلاعات، تهران.
۲۳. _____، (۱۳۷۶ش)، قانون عشق، چاپ اول، سیمغ، تهران.
۲۴. _____، (۱۳۶۰ش)، قیام نور، چاپ اول، حوزه اندیشه و هنر اسلامی، تهران.
۲۵. معلم، علی (۱۳۶۰ش)، رجعت سرخ ستاره، چاپ اول، واحد انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلامی، تهران.
۲۶. موسوی گرمارودی، علی (۱۳۶۳ش)، چمن لاله، چاپ اول، گلشن، تهران.
۲۷. _____، (۱۳۸۸ش)، آغاز روشنائی آیین، چاپ اول، سوره مهر، تهران.
۲۸. _____، (۱۳۷۸ش)، گزیده ادبیات معاصر، کتاب نیستان، چاپ دوم، تهران.
۲۹. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۱ش)، صحیفه نور، وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

